

دبیر ستاد جوانی جمعیت و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در گفت‌وگو با «ایران»:

فرزندآوری با بخشنامه امکان پذیر نیست

گفت و گو

مهسا قوی‌قلب

خبرنگار

خبرهای نگران‌کننده‌ای در زمینه آمار و روند جمعیت به گوش می‌رسد که تحت تأثیر سیاست‌های دهه‌های پیش مبنی بر «فرزند کمتر، زندگی بهتر» و کاهش نرخ ولادت‌ها، شاهد کاهش جمعیت و افزایش نگرانی‌ها و دغدغه‌های این حوزه هستیم. آمارها تا جایی نگران‌کننده است که آینده جمعیت ایران در سایه کاهش نرخ باروری و پیر شدن تدریجی جمعیت، با تهدیدهای بسیار جدی مواجه خواهد شد و به گفته کارشناسان این حوزه، سال ۱۴۲۵ پنجره جمعیتی کشور بسته می‌شود. نرخ باروری در زمان حاضر ۱.۴۸ است که نرخ پایینی محسوب می‌شود، این در حالی است که نرخ باروری تا سال ۱۴۰۷ باید به ۲.۵ برسد. باید بپذیریم که این پنجره همیشه باز نمی‌ماند، پس گریزی نیست که از فرصت باقی‌مانده بهترین استفاده ممکن شود تا بتوان نیروهای جوان و بالقوه کشور را از دست نداد. ایران در زمان حاضر در شرایط پنجره باز جمعیتی قرار دارد؛ یعنی دوره‌ای که جمعیت فعال و مولد، نسبت بیشتری به جمعیت وابسته از جمله کودکان و سالمندان را تشکیل می‌دهد. این دوره، یک فرصت استثنایی و غیرقابل تکرار برای پیشرفت اقتصادی و اجتماعی کشور فراهم می‌کند. آخرین آمار نگران‌کننده‌ای که در این حوزه منتشرشده و مدیران و تصمیم‌سازان را به تکافو انداخته، تعداد مولود سال گذشته است: ۹۷۹ هزار و ۹۳۰ نفر تعداد مولود در سال ۱۴۰۳ بود که این آمار نسبت به سال ۱۴۰۲ حدود ۷ درصد کاهش داشته است. در همین زمینه با دکتر مهتاب رضیئی، دبیر ستاد جوانی جمعیت و مشاور وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، دکترای جامعه‌شناسی و استاد دانشگاه در رابطه با اهمیت جوانی جمعیت کشور و مشکلات ناشی از سالمندی و همچنین ارائه راهکارهای مناسب به گفت‌وگو نشستیم.

برای تسهیل موضوع ازدواج و فرزندآوری برنامه‌های زیادی در کشور پایه‌گذاری و سیاست‌های مختلفی در پیش گرفته شده است، اما همچنان می‌بینیم که در این مقوله خیلی موفق نبوده‌ایم و به بسته شدن پنجره جمعیتی نزدیک و نزدیک‌تری می‌شویم. مشکل کجاست و باید چه راهکاری پیش بگیریم تا در مدت زمانی کوتاه بتوانیم به بهترین نتیجه دست یابیم؟

در ستاد ملی جمعیت، سیاست تسهیل‌گری و رفع مشکلات در زمینه ازدواج و فرزندآوری به صورت جدی در پیش گرفته شده، اما در زمینه تسهیلات موضوع این است که باید سر جای خودش استفاده شود؛ اتفاقی که تاکنون به طور کامل انجام نشده است. تسهیلات در این حوزه باید در اختیار افرادی قرار گیرد که می‌خواهند ازدواج کنند و دنبال مسکن هستند یا مشکلات اقتصادی دارند؛ یعنی باید افرادی که دوست دارند تشکیل خانواده دهند و ازدواج کنند ولی به لحاظ اقتصادی مشکل دارند، در اولویت سیاست‌گذاری‌ها و دریافت تسهیلات قرار گیرند. برای حل مسأله جمعیت، اولین گامی که باید به آن پرداخته شود، موضوع شکل‌گیری ازدواج است. بی‌تردید ابتدا باید ازدواج خوبی شکل بگیرد، خانواده تشکیل شود و بعد توقع فرزندآوری داشته باشیم. وقتی حلقه اولیه یعنی مسأله ازدواج، خیلی دیر هنگام اتفاق می‌افتد و بعد هم با مشکلات بسیاری همراه است، چطور می‌توانیم انتظار داشته باشیم چند فرزندی در خانواده‌ها رواج پیدا کند.

در حال حاضر آمار ی از میانگین سن ازدواج دختران و پسران منتشر شده است؟ هم‌اکنون سن ازدواج دختران به دهه‌های ۳۰ و پسران در اواخر ۳۰ و اوایل ۴۰ سالگی رسیده است. همین ارقام نشان می‌دهد عمر بارداری هم کوتاه شده است، پس بیشترین تمرکزی که می‌توانیم داشته باشیم این است که ازدواج را تسهیل کنیم. پیرو سؤال قبل اگر حمایتی می‌خواهد، انجام و خانواده تشکیل شود و باید حمایت‌ها و تسهیلاتی هم مانند ارائه مسکن و وام را در نظر گرفت.

زنان در جامعه امروز تمایل زیادی به فعالیت و حضور در مشاغل بیرون از خانه دارند، چگونه می‌توانیم با وجود این موضوع شاهد افزایش نرخ فرزندآوری باشیم؟ حتماً باید وفاقی بین زن اجتماعی و مادر به وجود بیاید. این موضوع خیلی مهم است. نباید زن را جداگانه فقط با شرایط و جایگاه اجتماعی رتبه‌بندی کند و در عین حال این توقع را داشته باشید که وظیفه مادری را هم به درستی انجام دهد. اینجاست که امکان روبه‌رو شدن با تناقضات بالا می‌رود، چون گاه در سبک زندگی مدرن با سرعتی که مدرنیت دارد، افراد در جست‌وجوی پیشرفت روزافزون هستند و از هر آنچه در مسیر پیشرفت، سرعت آنها را کم کند، روی برمی‌گردانند و سراغ آن نمی‌روند. یکی از مواردی که ممکن است سرعت پیشرفت زن مدرن را کم کند، فرزندآوری و وظیفه مادری است. پس اگر می‌خواهیم در کشور زنان دارای مهارت و با توسعه فردی بالایی باشند و مادری با کیفیت هم در کنار اینها داشته باشیم، باید حتماً تمهیداتی برای زنان بسنجیم؛ زانی که می‌خواهند هم مادر خوب و هم در کنار آن یک کارمند خوب، عضو هیأت علمی خوب و یک اندیشه‌ورز عالی باشند، اما شرایط برایشان مهیا نیست. چطور می‌شود که بگویم زنان در بهترین دانشگاه‌ها برای هیأت علمی فقط ۲۰ سال فرصت دارند و هر سال هم باید مقاله‌های علمی ارائه دهند تا ارتقا پیدا کنند، بعد هم از همان زن توقع داریم حتماً دو یا سه بچه هم داشته باشد. این زن نمی‌تواند همه این کارها را با هم انجام دهد، این موارد با یکدیگر در تناقض هستند و دستیابی به هدف را دشوار می‌کند.

به نظر شما اولویت دختران چیست؟ حسن مادری هستی است که در طبیعت زن نهفته، آیا این احساس در جامعه امروز رو به افول گذاشته است؟ برخی معتقدند زنان در مقوله کاهش نرخ فرزندآوری مقصر هستند. آیا اسلامی توان چنین برداشتی از موضوع داشت؟ نهاد خانواده از نهادهای اجتماعی به



حتماً باید وفاقی بین زن اجتماعی و مادر به وجود بیاید. این موضوع خیلی مهم است. نباید زن را جداگانه فقط با شرایط و جایگاه اجتماعی رتبه‌بندی کنید و در عین حال این توقع را داشته باشید که وظیفه مادری را هم به درستی انجام دهد. اینجاست که امکان روبه‌رو شدن با تناقضات بالا می‌رود، چون گاه در سبک زندگی مدرن با سرعتی که مدرنیت دارد، افراد در جست‌وجوی پیشرفت روزافزون هستند و از هر آنچه در مسیر پیشرفت، سرعت آنها را کم کند، روی برمی‌گردانند و سراغ آن نمی‌روند. یکی از مواردی که ممکن است سرعت پیشرفت زن مدرن را کم کند، فرزندآوری و وظیفه مادری است. پس اگر می‌خواهیم در کشور زنان دارای مهارت و با توسعه فردی بالایی باشند و مادری با کیفیت هم در کنار اینها داشته باشیم، باید حتماً تمهیداتی برای زنان بسنجیم؛ زنانی که می‌خواهند هم مادر خوب و هم در کنار آن یک کارمند خوب، عضو هیأت علمی خوب و یک اندیشه‌ورز عالی باشند، اما شرایط برایشان مهیا نیست. چطور می‌شود که بگویم زنان در بهترین دانشگاه‌ها برای هیأت علمی فقط ۲۰ سال فرصت دارند و هر سال هم باید مقاله‌های علمی ارائه دهند تا ارتقا پیدا کنند، بعد هم از همان زن توقع داریم حتماً دو یا سه بچه هم داشته باشد. این زن نمی‌تواند همه این کارها را با هم انجام دهد، این موارد با یکدیگر در تناقض هستند و دستیابی به هدف را دشوار می‌کند.

فردی در حال تغییر است. زنان دچار یک پارادوکسیکال در نقش‌ها شده‌اند. با نگاهی که به زن‌ان داریم و تغییر سبک زندگی آنها، اولویت دختران دیگر ازدواج و مادر شدن نیست. یکی از بزرگ‌ترین موضوعات این است که جمعیت، تنها امری زنانه نیست و کاهش جمعیت را نباید فقط بر دوش زنان گذاشت. موضوعی هم که مطرح می‌شود این است که فرزندآوری امری در متن خانواده است و نه دولتی و عاملی برای حفظ کشور. انسان همواره دنبال این است که بعد از خود چیزی به جا بگذارد، مانند هنرمند نقاشی که تابلویی خلق می‌کند یا هنرمند مجسمه‌سازی که تندیس می‌آفریند، تولید مثل هم به جا گذاشتن میراثی برای بقا بوده اما امروز این مقوله ارزش چندانی ندارد.

برخی بر این نظر پافشاری می‌کنند که با رشد علم و تکنولوژی، به عنوان مثال روبات‌ها و هوش مصنوعی می‌توانند جایگزین نیروی کار جوان باشند و چه بسا از نیروهای جوان هم بهتر و باکیفیت و دقت بالاتری کار کنند. این بدان معناست که چندان نباید نگران کاهش جمعیت باشیم؟ آیا در آینده روبات‌ها می‌توانند همانند نیروهای جوان کار کنند و مفید باشند؟

کاهش جمعیت مشکل خانواده‌هاست. از سویی، روبات‌ها نمی‌توانند با پیشرفت علم، فرهنگ را از نسلی به نسل دیگر منتقل

کنند. یک روبات نمی‌تواند درکی از مسائل فرهنگی جامعه داشته باشد. مادری، مهارت است؛ کاری تخصصی که باید جایگاه مشخصی داشته باشد تا زنان، مادری را سقفی شیشه‌ای برای رسیدن به جایگاه‌های بالا و شکوفایی در جامعه ندانند و از این طریق در کنار تربیت مناسب، بتوانند فرهنگ کشور را نیز به نسل‌های بعد منتقل کنند.

ما در زمینه جمعیت قوانینی در کشور داریم، اما حالا می‌بینیم قوانین موجود نتوانسته کاری از پیش ببرد. در اینجا به حتی می‌توانیم نتیجه بگیریم که یک جای کار در مورد قوانین مربوط به حوزه جمعیت می‌لنگد. به نظر شما قانون به چه اصلاحاتی در این حوزه نیاز دارد تا بتواند در افزایش آمار

فرزندآوری کمک کند؟

قانون مشکلاتی دارد و بیشترین حمایت را روی فرزندان سوم به بالا گذاشته است، اما در حال حاضر بیشترین اولویت خانواده‌ها اصلاً آن قشری که روی آنها برای ارائه تسهیلات و برنامه‌ریزی‌های مختلف مانور داده است، در اولویت نیستند.

آمارها در این حوزه چه روایتی دارند؟

بر اساس آمارهای موجود، بیش از ۵۰ درصد از افرادی که در طیف فرزندآوری قرار دارند، نمی‌خواهند بچه دار شوند، اما ۴۰ درصد می‌خواهند بچه‌دار شوند، طیف بالایی از این افراد هم دانشجو هستند. پس نیاز امروز حوزه جمعیت با جامعه آماری معلوم است و باید برای این طیف

قانونگذاری و برنامه‌های درست پیاده‌سازی شود. در حال حاضر ۳۰ درصد از خانواده‌ها فقط یک فرزند دارند، برای این ۳۰ درصد هم باید برنامه‌ریزی و تسهیلات ارائه شود. متأسفانه هم‌اکنون سیاست‌گذاری‌ها برای فرزندان به درستی انجام نشده است و باید اصلاح و بازنگری صورت گیرد.

می‌توانند تا اندازه‌ای مؤثر باشند اما چندان فعالیتی در حوزه بیمه‌ها نمی‌بینیم و اکثر خانواده‌ها از این موضوع شکایت دارند.

قوانینی که در بیمه وجود دارد باید اصلاح شود. هرچند هنوز قانون بیمه هم برای فرزند پنجم اصلاح نشده است. باید با کمک بیمه‌ها، سرمایه و اعتماد اجتماعی بالا برده شود.



گزارش مرکز آمار ایران تمایل جمعیت ایران به سمت سالمندی

نتایج پیش‌بینی انجام شده در دفتر جمعیت، نیروی کار و اقتصاد خانوار مرکز آمار ایران، نشان می‌دهد جمعیت ایران به سوی سالمندی متمایل می‌شود. در سال ۱۴۰۴ از هر ۱۰۰ نفر جمعیت ایران ۸ نفر در سنین ۶۵ سال و بیشتر هستند در حالی که در سال ۱۳۹۵ از هر ۱۰۰ نفر جمعیت کشور ۶ نفر در این سنین بودند. در سال ۱۴۰۴، استان گیلان با سهم ۱۱.۶ درصد، استان مازندران با سهم ۱۰.۶ درصد و استان تهران با ۹.۱ درصد سالمندترین استان‌های کشور هستند. در مقابل استان‌های سیستان و بلوچستان با ۳.۲ درصد، هرمزگان با ۴.۹ درصد و بوشهر با ۵.۸ درصد جوان‌ترین استان‌های کشور هستند. همچنین بررسی وضعیت جنسیتی جمعیت ایران نشان می‌دهد در سال ۱۴۰۴ در ایران به ازای هر ۱۰۰ نفر مرد ۱۰۰ نفر زن حضور دارند. در سال ۱۴۰۴ استان‌های یزد، بوشهر و کهگیلویه و بویراحمد به ترتیب با نسبت جمعیتی ۱۰۵.۲، ۱۰۳.۸ و ۱۰۲.۸ درصد بیشترین سهم و در مقابل استان‌های خراسان جنوبی، اردبیل و سیستان و بلوچستان به ترتیب با مقادیر ۸۵.۴، ۸۸.۴ و ۸۸.۸ درصد کمترین سهم را به خود اختصاص داده‌اند. پیش‌بینی و بررسی وضعیت تعداد خانوارهای کشور نشان می‌دهد تعداد خانوارهای کشور رو به افزایش است. در سال ۱۴۰۳ تعداد خانوارهای کشور به بیش از ۲۸ میلیون رسیده است. تعداد خانوار کل کشور نیز از ۲۴ میلیون و ۱۹۶ هزار خانوار در سال ۱۳۹۵ به ۲۸ میلیون و ۸۱ هزار خانوار در سال ۱۴۰۴ رسیده است. در همین سال تعداد خانوار شهری برابر ۲۲ میلیون و ۱۲۹ هزار و روستایی ۵ میلیون و ۹۵۴ هزار برآورد می‌شود. در خصوص بُعد خانوار نیز باید تأکید شود که بعد خانوار در کشور در حال کاهش است. در سال ۱۴۰۴ بعد خانوار کل کشور ۳.۱ برآورد می‌شود که در مقایسه با سال ۱۳۹۵ به مقدار ۰.۲ کاهش یافته است. در سال ۱۴۰۴ بیشترین بعد خانوار در استان سیستان و بلوچستان با مقدار ۳.۶ و کمترین در استان گیلان با مقدار ۲.۸ برآورد می‌شود.



وقتی می‌گوییم با فرزندآوری زمین می‌دهیم، بعد در تهران یا شهرهای بزرگ و مراکز استان نمی‌توانیم محدودده شهری مناسبی تهیه کنیم و به عنوان مثال در پایتخت، ته فیروزکوه داده می‌شود، افراد دلسرد می‌شوند. این زمین اصلاً نمی‌تواند انگیزه‌مثمی باشد و امید را افزایش دهد و بار اقتصادی را از روی دوش افراد بردارد

را در کشور پیاده کنیم؟ بله، اتفاقاً در این حوزه می‌توانم کشوری آسیایی و موفق نام ببرم؛ ازبکستان در سه دهه توانسته است آمار جمعیتی خود را از نرخ منفی به ۳.۲ برساند.

چه فاکتورهایی برای افزایش نرخ فرزندآوری مورد توجه مسئولان ازبکستانی قرار گرفته است؟

در قدم اول به مباحث اقتصادی توجه ویژه شده است. ایجاد امنیت شغلی، حل مشکل مسکن و داشتن خانه‌های بزرگ و افزایش متراژ خانه‌ها به ۷۰ متر به بالا و دو خوابه، از موضوعات مورد توجه ازبکستان بوده است. احساس امنیت روانی به لحاظ اقتصادی و در نهایت تقدیس جایگاه مادری و اهمیت دادن به زنان شاغل با احداث مهدکودک در محل کار و پرداختن به حوزه‌های تربیتی فرزندان مادران شاغل در این کشور مورد توجه ویژه سیاست‌گذاران حوزه جمعیت واقع شده؛ یعنی در حوزه تربیتی هم مادران نگران این موضوع بودند که با اشتغال، اختلال نشود، از این رو به این مورد هم دقت شده است. در مورد افزایش متراژ خانه‌ها هم مسأله فرهنگی مطرح شده و دستور دادند خانه‌ها در متراژهای بالای ۶۵ و ۷۰ متر حتماً دوخوابه ساخته شوند. در نهایت با نگاهی کلی، پی می‌بریم این موارد دقیقاً در کشور ما هم از جمله دغدغه‌های خانواده‌ها به شمار می‌رود، پس با پیاده‌سازی چنین شیوه‌هایی، ما هم می‌توانیم نتایج مثبتی بگیریم.

باید به بسترهایی در کشور فراهم شود تا بتوانیم مانند کشورهای موفق به حصول نتیجه دست یابیم و جلوی بسته شدن پنجره جمعیتی را بگیریم؟

ما در این زمینه قانون داریم. باید مواردی را که مورد نظر و راهگشا در این عرصه است به صورت مصوبه با مفادی به قانون اضافه کنیم تا تسهیل‌گری ایجاد شود و از زمان عقب‌نمانیم. تصویب قانون زمان‌براست اما مصوبات در فرصتی کوتاه نتیجه مورد نظر را حاصل می‌کند. موضوع جمعیت جدی است و کنشگری میدانی را هم نباید در این عرصه از دست داد. بین افراد مجرد تا ۵۵ سال خیلی‌ها می‌گویند اگر شرایط باشد، ازدواج می‌کنیم از همین که جمله می‌توانیم متوجه شویم که هنوز ازدواج اولویت فکری جوانان است. هر چقدر هم زندگی‌های مجردی و انفرادی زیاد شده باشد، اما باز هم ازدواج در اولویت‌خواسته‌های جوانان قرار دارد. با این وجود، در قانون باید تسهیلات به آن دسته از جوانانی داده شود که دوست دارند تشکیل خانواده دهند اما به لحاظ اقتصادی شرایط آن را ندارند. به عنوان مثال یکی از راهکارهایی که برای ازدواج آسان می‌توان در اختیار جوان‌ها قرار داد، تالارهایی هستند که در سطح شهرها در حال خاک خوردن هستند، در حالی که می‌توانند هر کدام از آنها هزینه سنگینی را از روی دوش جوانان در آستانه ازدواج بردارند. حالا بیش از یک‌هزار سالن در اختیار شهرداری و وزارت آموزش و پرورش است که می‌تواند در این حوزه مورد استفاده قرار گیرد. ظرفیت‌های متعددی در این حوزه وجود دارد و باید از آنها استفاده کرد. در عرصه جمعیت، فریاد هم‌افزایی زده می‌شود ولی باز هم هر کس آهنگ خود را در حوزه‌های اجتماعی می‌نوازد. باید آهنگ‌ها با هم هماهنگ و هم‌افزایی نهاده‌ا و سازمان‌های دولتی و غیردولتی بیشتر شود و استفاده از ظرفیت‌ها هم گسترش یابد.

کلام آخر؟

خواسته‌ها در جامعه ما از یک بانو، در تناقض با هم قرار دارند. در علم اجتماعی موضوعی وجود دارد که می‌گوید اهداف با وسایل باید منطبق باشد و اگر هدف‌ها با وسایل اجتماعی منطبق نباشد، آسیب‌هایی را به همراه خواهد داشت. اهداف، برای رسیدن به پیشرفت در نظر گرفته شده است ولی وسایلی که در اختیار یک زن ایرانی قرار می‌دهیم متفاوت هستند. اگر هدف فرزندآوری است، باید اقداماتی انجام دهیم که منطبق با هدف مورد نظر باشد، چون همین نبود هماهنگی‌ها می‌تواند چالش‌های زیادی را با خود به همراه داشته باشد که با این شیوه، از هدف مورد نظر دور خواهیم شد.